

آموزش پزشکی در ارتش ایران

علیرضا خوشدل^۱

چکیده

نقش تعیین کننده سلامت جنگجویان در پیروزی در نبرد، تاریخچه طب نظامی را به هزاران سال پیش کشانده است. این پیشینه باستانی، گونه ای از سرآمدی در دانش و مهارت پزشکی را در قشون نظامی شکل داده است که در رون خود نوعی هم تاپروری و تربیت را نیز شامل بوده است. از سوی دیگر نقش دوسویه سلامت و امنیت سبب شد در ایران باستان نیز پایگاه های پزشکی عمدتاً در قشون و پادگان های نظامی ریشه گیرد و به سبب قرار گرفتن در تقاطع فرهنگی شرق و غرب، مراکز آموزش پزشکی ارتش باستانی ایران رفته رفته جایگاهی فرامنطقه ای پیدا کرد و میزبان دانشوران مشتاق کسب دانش پزشکی شد. با ظهور اسلام و ترویج فرهنگ دینی در بین ایرانیان، مراکز دینی نیز به مروجین تعلیم پزشکی تبدیل شدند و دانش پزشکی با آمیختگی با پزشکی سایر ملل و تعالیم اسلام غنایی تازه یافت و پزشکان نامدار ایرانی مبدع مکاتب پزشکی جامعی شدند که تا قرن ها الهام بخش دانش پزشکی در جهان بود. اگرچه این بالانشینی در قرن های بعد با شکستن امنیت و یکپارچگی کشور و سربر آوردن حکومت های ضعیف و متفرق خدشه دار شد، اما با جان گرفتن ارتش و شکل گیری هسته های امنیت به دست امیرکبیر مجدداً از دارل فنون نضج گرفت و آموزش پزشکی نوین در ارتش ایران ریشه دواند و به عرصه کشور منتشر شد و پزشکان ارتش زبانزد مردم در دانش و مهارت شدند. این سابقه دیرین سبب شد تا چالش های بزرگ دوران دفاع مقدس حل شده و دست ماهرانه این پزشکان، پرستاران و پیراپزشکان، نجات بخش قهرمانان ایران زمین در صحنه های جنگ شود و توشه ای از تجربیات گرانبهای دوران دفاع مقدس در سامانه پزشکی ارتش اندوخته گردد. امروز باتکیه بر این اندوخته ارزشمند، روزآمدی در راستای گسترش سریع دامنه دانش پزشکی و فناوری های نوین، تلاشی مضاعف و جهاد گونه را می طلبد تا همچنان سامانه بهداشت و درمان ارتش با پشتوانه حمایت فرماندهان، سرآمد و مایه مباهات و امید ملت باشد.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، ارتش، طب نظامی

مقدمه

جنگ، بحران و شرایط نامتعارف کسب می کنند در بسیاری از کشورهای دنیا ارتشها سرآمد دانش و مهارت پزشکی هستند. چنین ویژگی مهمی در کنار انضباط ذاتی سازمان های نظامی، سبب شده است که مراکز آموزشی پزشکی معتبری در ارتشهای جهان ایجاد شود که از آن جمله می توان به ایالات

سلامت و توانایی جسمانی همواره از ارکان اساسی مورد توجه نیروهای مسلح بوده است و خدمات بهداشت، درمان و توانبخشی نقش تعیین کننده در جنگها داشته است. در نتیجه این اولویت و در اثر تجارب متنوعی که پزشکان نظامی در

۱- دانشیار، ایران، تهران، دانشگاه علوم پزشکی آجا، دانشکده پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

به پارسه اشاره کرد که در کنار دربار هخامنشیان تشکیل شد و در آن به آموزش طب و نجوم می پرداختند. مطالعات باستان شناسی نشان می دهد نوعی خط به نام «نیم کشتج» برای متون طب و فلسفه استفاده می شده است. کوروش پزشکان مجرب را گرد خود فراخواند و انواع معجون و شربت ها و دواها و عصاره های مفید را در یک مجموعه دارویی فراهم ساخت. در زمان داریوش علاوه بر طبیبان مصری از پزشکان یونانی نیز استفاده می شد و رفته رفته ایران به نقطه تلاقی دانش شرق و غرب در پزشکی مبدل شد به طوری که از این رهگذر پزشکی یونانی با استفاده از علم پزشکی هند به نهایت ترقی خود در آن زمان رسید و برخی معتقدند که نظریات بقراط در پزشکی مخلوطی است از عقاید پزشکی مصری و هندی که از طریق ایران به یونان رسیده است. حدود پانصد سال بعد از میلاد مسیح اولین مدارس آموزش دامپزشکی در ایران شکل گرفت که عمدتاً با هدف درمان اسبان سواره نظام ارتش تشکیل شد. حوزه های علوم پزشکی در ایران باستان شامل داروسازی، روانپزشکی، دامپزشکی و پزشکی قانونی بود و در علوم چشم پزشکی، زنان، سم شناسی، تغذیه و بهداشت پیشرفتهای قابل توجهی روی داده بود. بر اساس برخی منابع پزشکان اجازه طبابت نمی یافتند مگر آنکه سه جراحی موفق را تجربه می کردند.

در سفرهای دریایی اکتشافی قشون و سپاهیان که در زمان هخامنشیان انجام می شد، همواره پزشکانی با کاروان های دریایی همراه بودند که وظیفه مراقبت های بهداشتی دریانوردان را بر عهده داشته اند. در دانشگاه گندی شاپور، دوره ساسانیان، هم بخشی به گردآوری اطلاعات در باره بیماری های دریانوردان و راه های درمان آنها اختصاص داشته است. اما نخستین کتابی که در این باره نوشته شد، بخشی از کتاب جامع، فردوس الحکمه، است که توسط علی بن ربان طبری (تبرستانی)، پزشک ایرانی و استاد طب زکریای رازی، گردآوری و تالیف شده است. ابوعلی سینا هم در بخش پنجم کتاب قانون، بیماری های کل

متحده، روسیه، آلمان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، چین، هند، سنگاپور، استرالیا، کشورهای حوزه بالکان می توان اشاره کرد. در ایران نیز واحدهای پزشکی ارتش سابقه ای باستانی داشته و آموزش پزشکی قدمتی طولانی دارد.

تاریخچه پزشکی در ارتش ایران

اگرچه موبدان سردمدار امور پزشکی در ایران باستان بودند، نخستین گروه های سازمان یافته پزشکی در تاریخ ایران در قشون شکل گرفت و به همین دلیل آموزش پزشکی در ارتش دیرینه ای طولانی دارد. از دیرباز بهترین پزشکان در دربار پادشاهان به کار گمارده می شدند که معمولاً همین افراد بر امور پزشکی قشون و جنگاوران نیز مشاورت داشته و نظام پزشکی ارتش را شکل می دادند. پزشکان به ۵ دسته تقسیم می شدند. آشوپزشک (روان درمانگران)، دادپزشک (پزشک بیماری های واگیر)، کرتوپزشک (جراح)، اوروپزشک (که با گیاهان دارویی درمان می کردند) و اهوپزشک (درمانگر زندگی). وزیر بهداشت و درمان «دروستبد» نام داشت. به کسانی که آمار پزشکی می گرفتند یا در تاریخچه بیماری ها تحقیق و تفحص می کردند «آتروان» می گفتند. در ایران تشکیلات منطقی وجود داشت و پزشکان از قوانین و دستورهای واحدی پیروی می کردند و برای طبابت باید مجوز رسمی می گرفتند. پزشکان باید هنگام کار با پارچه ای تمیز جلوی دهان و بینی خود را می بستند که به آن «پنام» می گفتند. رعایت بهداشت آب، خاک، هوا و محصولات کشاورزی و از بین بردن تمام آلودگی هایی که می توانستند سبب بیماری شوند، بر عهده حکمرانان بود. قهراً اجرای چنین نظارتی نیاز به پشتوانه ای مقتدر داشت که در مواقع لزوم بتواند مقررات مربوطه را پیاده کند. به همین سبب نیروهای نظامی در بسیاری از موارد در کنار تشکیلات بهداشتی کشور بوده اند.

هخامنشیان پایه گذار نظام آموزشی پلکانی در ایران بوده و مراکز آموزشی مهمی را بنیان نهادند که از جمله آنها می توان



تصویر ۱- بیمارستان شماره ۱ ارتش در ۱۲۹۲ هجری شمسی. تصویر پایین، ردیف میانی از راست به چپ: دکتر حکیم اعظم، دکتر گاله، دکتر ژرژ، دکتر امیراعلم

در پیشرفت‌های علمی دوره ساسانیان به ویژه تشکیل دانشگاه جندی شاپور بی تأثیر نبودند. در دوره ساسانی نیز آموزشگاه‌ها و مراکز علمی دیگری وجود داشتند که بعضاً قدمشان به دوره هخامنشی می‌رسیده از جمله اکباتان، شیزگان، سمرقند، بلخ، مرو، فرغانه، سیستان، ری و تیسفون و مدائن که عمدتاً در مرکز نظامی تشکیل شده بود.

در جنگ‌های ایران و یونان بود که آثار طبی بقراط و دیگر اطباء یونانی بدست ایرانیان افتاد و ایرانیان از آن بهره جستند. دانشگاه جندی شاپور نیز که پس از غلبه ارتش ساسانیان بر روم و با

بدن، فصلی را به بیماری‌های دریایی اختصاص داده‌است. علی بن عباس اهوازی نیز در دانشنامه پزشکی خود در سده چهارم هجری در این زمینه مطالبی را ارائه داشته‌است.

در دوره هخامنشی قطبهای علمی دیگری از جمله آذربایجان (کتابخانه شیپگان یا شیزگان) و بلخ به پژوهش در طب و نجوم مشغول بوده‌اند. همچنین داریوش اول هخامنشی در راه اندازی آموزشگاههای پزشکی برسیپا، میلیت و آرشویی (آرخویی) پیشگام بوده است. در دوره اشکانی نیز در شهرهای بلخ و سغد و چند شهر دیگر مراکز علمی متعددی بوجود آمد که



تصویر ۲- پروفیسور امیر اعلم (راست) و پروفیسور شمس (چپ) از امیران پزشک برجسته ارتش و بنیانگذاران طب نوین در ایران که بیمارستانهای امیر اعلم و فارابی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

ثبت مطالب مربوط به نجوم و علوم سری به زبان مخصوص و شاید با علامات رمزی به نام گشتک بود...»
از سیر تحولات مدرسه گندی شاپور در بقیه دوران حکومت ساسانیان اطلاع چندانی در دست نیست ولی گفته می‌شود که پزشکان متبحری از این مدرسه به اطراف کشور و حتی کشورهای همجوار گسیل می‌شده‌اند. زمانی که اعراب به ایران حمله کردند این مدرسه در اوج شکوفایی علمی خود بود. در سال ۶۳۶ میلادی گندی شاپور به سپاه اسلام تسلیم شد، ولی خوشبختانه شهرت دانشگاه باعث شد که از گزند حوادث مصون بماند و همچنان به عنوان مرکز پزشکی قدیم و علوم یونانی نمایان باشد. بعدها با مهاجرت اساتید آن به بغداد کم کم از شهرت و آوازه این شهر کاسته شد و بغداد جای آنرا گرفت. ری (ریواردشیر) نیز از دوره ساسانی به مرکز طب و نجوم شهرت داشته است.

پزشکی ارتش ایران در عصر اسلامی

با ظهور اسلام تمرکز پزشکی از سپاهیان به مدارس دینی و مکتب فرزندان مذهبی کشیده شد و علوم پزشکی بانفوذ فرهنگ اسلام در سرزمین ایران رشد چشمگیر یافت. ولی دربار سلاطین و

بکارگیری اسیران و کمک دانشمندان رومی بنا شد به تربیت طبیبان اهتمام داشت و مجهز به بیمارستانی بود که پزشکان در آن آموزشهای عملی می‌دیدند. در واقع در مدرسه جندی شاپور با ترجمه آثار مهم نویسندگان یونانی، بکمک دانشمندان ایرانی طب یونان دوباره شکوفا شد. همچنین آورده‌اند که بیمارستانها دارای کتابخانه، سالن تدریس و داروخانه بطور مجزا بوده‌است. بر اساس تاریخ الحکما اولین کنگره جهانی پزشکی و اولین انجمن پزشکان در جندی شاپور تشکیل شد. اعضای آن عبارت بودند از سرجیس (رئیس)، بیادق طبیب و برزویه طبیب.

کریستین سن، مورخ مشهور تاریخ ساسانیان در این باب چنین می‌گوید: «کتب مذهبی اوستایی در اثر بقای کیش زرتشتی در دوران تاریک غلبه اسکندر و سالهای بعد از آن، همچنان محفوظ مانده بود، ولی آثار اوستایی در زمینه‌های غیر دینی مانند طب، نجوم، جغرافیا و فنون به طور عمده به هندوستان، یونان و کشورهای دیگر پراکنده شده بود. اکنون جمع آوری مجدد این آثار وجهه همت شاپور قرار گرفت و دستورات لازم درباره آن صادر گردید. ظاهراً در این دوره در ریشهر، ناحیه‌ای در شوش هیاتی از نویسندگان تاسیس شد که کارشان

بعد از اسلام با شکوفایی ترجمه کتب طبی یونان، دانشمندان مسلمان بزرگی از جمله محمد بن زکریای رازی و ابن سینا ظهور کردند. پیشرفت‌های علمی سریع مسلمانان موجب شگفتی جهانیان شده بود، طوریکه هر کس به دنبال علم بود پا به این سرزمین می گذاشت. شروع خلافت آل بویه و اعمال نفوذ آنان در دستگاه خلافت باعث ایجاد فضای نسبتاً مناسبی برای رشد دانش و فرهنگ شد و اطبا دوباره به کارهای علمی روی آوردند و دوباره شرایط برای رشد و شکوفایی طب فراهم شد. از جمله کارهای مهم آل بویه بخصوص عضدالدوله تلاش فراوان وی برای احداث بیمارستان بود که باعث شد بیمارستانهای بسیاری در شهرهای مختلف تأسیس گردد. بیمارستانهایی که در دوران اسلامی در شهرهای مختلف ساخته می شد غالباً الگوی بیمارستان گندی شاپور را داشتند و مرکز گندی شاپور برای سال‌های متوالی تامین کننده کادر پزشکی و پرستاری این بیمارستانها بود. در این بیمارستانها مانند مراکز درمانی دانشگاهی امروزی عمل می کردند یعنی تمامی کارهای پزشکی و داروسازی انجام می شد و علاوه بر آن اطبای با سابقه به تعلیم اطبای جوان می پرداختند.

عضدالدوله علاقه و عشق زیادی به ترجمه مطالب علمی و پزشکی داشت و بیمارستانهای مجهزی را در شهرهای مختلف احداث کرد از جمله بیمارستان بغداد که طبق شواهد تاریخی بسیار بزرگ و مجهز بوده است. در آن زمان ناظر بیمارستان از پزشکان و دانشمندان و ارباب قلم و یا فرماندهان ارتش انتخاب می شد که از محترم ترین مشاغل بیمارستانی و کشوری بوده که فرمان آن از طرف سلاطین و خلفاء و وزراء و امراء و ولات صادر می شد.

متأسفانه پزشکی در ایران در اعصار بعد دستخوش آسیبهای شدید ناشی از جنگهای داخلی و خارجی شد و دوره‌ای از افول و انحطاط را تجربه کرد به طوری که از یک سو طب سنتی ایران با شکسته شدن حلقه آموزش اعتبار و اثربخشی گذشته را نداشت و فاقد قدرت پاسخگویی به چالشهای سلامت آن دوران

پادشاهان و فرمانروایان همچنان مرکز جذب پزشکان حاذق شد و کتابخانه‌های بزرگ مایه فخر هر دربار به دیگر حکومتها بود. در طی دوران رنسانس کتابهای دانشمندان مسلمان به زبانهای اروپائی ترجمه شدند و این روند باعث پیشرفت اروپایی‌ها شد. با روی کار آمدن عباسیان، خلفا تمایل بیشتری نسبت به حضور ایرانی‌ها پیدا کردند. از جمله نمونه‌های بارز این مساله حضور اطبای ایرانی در دستگاه خلافت از زمان حکومت منصور به بعد بود. طبق شواهد تاریخی این حضور به حدی پررنگ بوده که برخی نویسندگان بیان کرده‌اند که منصب وزارت که در ابتدای دوران عباسی شکل گرفت اغلب در اختیار پزشکان قرار می گرفت. در مورد آغاز نفوذ پزشکان غیر عرب به دربار خلیفه منصور گفته شده که وی به منظور درمان بیماریش از «جورجیس بختیشوع» رئیس «دانشگاه گندی شاپور» برای آمدن به بغداد دعوت کرد و بختیشوع پس از این دعوت پسرش را به عنوان رئیس دانشگاه منصوب نموده و خودش به همراه تعدادی دیگر از همکارانش به بغداد عزیمت کرد. حضور آنان به منزله فتح بابی بود برای حضور دیگر اطبای غیر عرب در دستگاه خلافت که از مهم ترین آنها می توان به خاندان ماسویه طیب اشاره کرد. ماسویه به همراه دو پسرش میکائیل و یوحنا وارد دستگاه خلافت هارون الرشید شده و به دلیل آوازه علمی به رقابت با خاندان بختیشوع پرداختند. نهضت ترجمه که از دوران عباسی آغاز شده بود، در دوران مامون با شروع به کار «بیت الحکمه» به اوج خود رسیده بود و یکی از اعصار مهم تاریخ پزشکی می باشد. اشتیاق فراوانی بین مترجمین که اکثر آنها اطبای دربار بودند، برای ترجمه آثار طبی یونانی وجود داشت و حمایتی خلفا از این حرکت علمی و دقت مترجمین برای ترجمه این آثار همه از جمله عواملی بود که این دوران را به دوره‌ای طلایی در شکوفایی علمی بخصوص علم طبابت تبدیل کرد. اهمیت این حرکت علمی، از نظر ترجمه آثار و پیشرفتهای علوم در حدی است که برخی نویسندگان این دوران را معادل دوره تجدید حیات علمی در غرب می دانند

قمری در سومین سال حضور پولاک به دستور ناصرالدین شاه در خارج از تهران آن زمان تاسیس شد و تبدیل به محل آموزش دانشجویان طب دارالفنون شد. در این مریضخانه که به ریاست محمد ولی حکیم باشی اداره می شد پزشکان به همراه ۳ دانشجو هر روز تا ظهر به مداوای بیماران می پرداختند. به طوری که در سال اول ۲۲۳۸ بیمار مورد مداوا قرار گرفتند. در سال ۱۲۸۴ قمری بیمارستان نظامی جدیدی برای ارتش ساخته شد و بیمارستان قدیمی به مریضخانه دولتی تغییر نام داد. در سال ۱۲۹۰ ه ق که ناصرالدین شاه از مسافرت فرنگستان مراجعت نمود دستور داد مریض خانه ای به سبک بیمارستانهای کشورهای خارجه دایر گردد. مشیرالدوله صدراعظم و علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم همت بانجام این مهم گذاشتند و در سال ۱۲۹۳ ه ق مریضخانه موردنظر تأسیس شد که به مریضخانه دولتی ملحق شد. ریاست این بیمارستان در سالهای اول بر عهده دکتر شلمیر بود و پس از وی میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء و سپس دکتر ابوالحسن خان سرتیپ بود. این بیمارستان در زمان جنگ جهانی اول بارها بین آلمانی ها، روسها و انگلیسها دست به دست شد. با پایان جنگ و پس از الحاق بیمارستانهای تهران به دانشکده پزشکی این مریضخانه بیمارستان سینا نام گرفت.

تا سال ۱۳۰۳ مدرسه طب در همان دارالفنون دایر بود که در این سال به یکی از حیاطهای عمارت مسعودیه منتقل شد و دکتر لقمان الدوله ادهم به ریاست آن برگزیده شد (همزمان مدرسه نظام هم به عمارت امیریه منتقل شد که مدرسه دامپزشکی ارتش هم در همان محل اداره می شد). عده ای از مدرسان فرانسوی از جمله گاله (جراحی) و ژرژ (طب داخلی) به استخدام مدرسه طب درآمدند که با وقوع جنگ جهانی به کشورشان بازگشتند. میرزا حسین خان دکتر، لقمان الدوله، دکتر حکیم اعظم، دکتر امیراعلم و دکتر قاسم غنی از مدرسین دارالفنون بودند.

مراکز درمانی خصوصی هم رفته رفته شکل گرفت. از اولین بیمارستانهای خصوصی تهران مریضخانه یوسف آباد بود که

و به ویژه بیماری های ناشی از جنگ و مراودات با کشورهای خارجی بود و از سوی دیگر عرصه آموزش پزشکی جدید هنوز ایجاد نشده بود. حکومت های ضعیف و درباریان وابسته نیز به جای آنکه امور طبیبان و حکیمان را سامان دهند، رفته رفته پای پزشکان خارجی را به دربارها باز کردند. با این حال مراکز مذهبی هنوز شفاخانه هایی را برای تیمار بیماران کم بضاعت اداره می کردند، از جمله این مراکز به مدرسه دارلشفاء تهران که در دوران فتحعلی شاه در مقابل مسجد شاه بنا شد و نیز شفاخانه آستان مقدس امام رضا (ع) اشاره کرد. این مراکز نیز حمایت نمی شدند و با مشکلات فراوانی روبرو بودند. این وضعیت تاسف بار در نوشته های ژنرال گاردان و حاج سیاح به وضوح تشریح شده است. بالاخره در ۱۲۶۸ هجری قمری به ابتکار امیرکبیر، در محل سربازخانه ای در شمال شرقی ارگ شاهی دارالفنون توسط محمد تقی خان معمار باشی ساخته شد. اگرچه خود امیرکبیر در همین سالها قربانی توطئه درباریان شد و در گشایش دارالفنون حضور نداشت اما آموزش طب و جراحی، دواسازی، پیاده نظام، سواره نظام و توپخانه در این مدرسه با ۷۷۵۰ تومان بودجه سالانه آغاز شد. این مدرسه در چند دوره توسط ارتش اداره می شد و از جمله عزیز خان مکرری (سردار کل) ریاست آن را در دوره های اول بر عهده داشت. در ابتدای کار ۶ معلم از اطیش به استخدام دارالفنون درآمدند که از بین آنها دکتر پولاک پزشک بود و پایه گذار آموزش پزشکی نوین در ایران شد. در کنار دکتر پولاک، دکتر تولوزان (طیب شاه) و دکتر شلمیر (که بعدها رییس مریضخانه دولتی شد) هم در امور دارالفنون کمک می کردند. اداره هر درس بر عهده یک استاد کرسی و چند نفر خلیفه (دانشیار) بود که معمولاً از دانش آموختگان خود دارالفنون بودند.

پولاک با ۲۰ دانشجوی طب کار خود را آغاز کرد و آنها را برای کارآموزی به مریضخانه نظامی تازه تاسیس می برد و کتابی به نام راهنمای طب نظامی ایران نوشت. مریضخانه نظامی لشگریان اولین بیمارستان نوین ایران بود که در سال ۱۲۶۸ هجری

در سال ۱۳۰۷ قمری توسط اقبال السلطنه و وقف سه دانگ املاکش در یوسف آباد ساخته شد و محل معاینات استخدامی ارتش بود که بعدها بیمارستان ۵۰۱ ارتش و هم اکنون بیمارستان ۵۰۳ ارتش در محل آن مستقر است.

در عصر قاجار در محل قورخانه کهنه واقع در ضلع جنوبی خیابان سپه (سابق) جنب میدان توپخانه ساخت بیمارستان دیگری با هزینه وزارت جنگ آغاز شد و بالاخره با وسایل کامل در سال ۱۳۲۲ قمری (برابر با ۱ - ۱۲۹۰ هجری شمسی و ۱۹۱۴ میلادی) در زمان سلطنت احمدشاه رسماً افتتاح شد. در این بیمارستان ده تخت به افراد پلیس، سی تخت به نظامیان و ده تخت به بینوایان اختصاص یافته بود. با تلاش سرتیپ دکتر امیراعلم این بیمارستان نظامی آبرومند که به نام پادشاه وقت احمدشاه بیمارستان نظامی احمدیه یا بیمارستان سپه موسوم شد تبدیل به یک مرکز آموزشی شد. از اهداف تعریف شده این بیمارستان تعلیم و تربیت شاگردان مدرسه طب دارالفنون و رسیدگی به بهداشت و درمان ارتش و قشون بود.

در سال ۱۳۳۰ ق در زمان احمد شاه قاجار دولت ایران برای حفظ امنیت داخلی و وصول مالیاتها، به ایجاد ژاندارمری مبادرت ورزید. برای دور بودن از نفوذ دولتهای ابر قدرت زمان (روسیه و انگلیس) از دولت سوئد برای فرستادن افسران متخصص سوئدی یاری خواست. دولت سوئد هیأتی نظامی به ریاست ژنرال (یالمارسون) به ایران اعزام داشت. همراه با این هیأت دو نفر دامپزشک سوئدی به نامهای (دکتر هیل) و (سروان دکتر نیلس نردکیس) برای ایجاد شعبه دامپزشکی ژاندارمری به ایران آمدند. نامبردگان برای تربیت کادر دامپزشکی ژاندارمری به ایجاد مدرسه شبانه روزی بیطاری (دامپزشکی) و هم چنین کلاس کمک دامپزشکی (مدرسه فنی) همت گماردند. محل این مدرسه در باغشاه واقع در محل دانشگاه جنگ بود. اما اولین مدرسه دامپزشکی بیطاری ایران به معنای واقعی در ماه صفر ۱۳۳۲ ق افتتاح شد. تعداد شاگردان مدرسه بیطاری که تحصیلات آنها در حد پایان دوره متوسطه بود ۸ نفر و دوره

تحصیل آن دو سال تعیین گردید. البته علت اصلی تأسیس این مدرسه تربیت کادر فنی برای درمان دامپزشکی ژاندارمری و ارتش بود. بیشتر دروس این مدرسه توسط استادان سوئدی تدریس می شد و اطبای ایرانی نیز از جمله دکتر سعید خان لقمان الملک، دکتر امیراعلم و دکتر حسین معتمد در این مدرسه فعالیت داشتند. در دیماه ۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۵ م مدرسه بیطاری منحل شد ولی چند ماه بعد در مهرماه ۱۲۹۴ ش این مدرسه به ریاست کاپیتان (نورت کیست) افسر دامپزشک مجدداً تأسیس گردید. دوره اول مدرسه به مدت دو سال به طول انجامید و دوره دوم مدرسه با ۳۸ نفر محصل در سال ۱۳۳۴ ق مقارن با اواخر سال ۱۲۹۳ ش شروع شد، ولی بواسطه حوادث ناشی از جنگ بین المللی اول تعطیل گردید و شاگردان به جبهه جنگ اعزام شدند. اما پس از جنگ بین الملل اول، در زمان فرماندهی ژاندارمری (کلنل گلوپ) دوره سوم مدرسه با ۱۲ محصل، توسط دکتر ابوطالب خان شیخ که هم پزشک و هم دامپزشک بود زیر نظر دانشکده افسری تأسیس شد.

در سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون تأسیس دانشگاه تهران مدرسه طب و داروسازی به یکی از دانشکده های این دانشگاه تبدیل شد. در سال ۱۳۱۶ کلیه قسمتهای دانشکده طب به ساختمان جدید دانشگاه تهران منتقل شد و شروع بکار نمود. در سال ۱۳۳۵ دو رشته داروسازی و دندانپزشکی که از شعب دانشکده پزشکی بود، بصورت مستقل درآمد. بیمارستان امیراعلم علاوه بر بخشهای متعدد پزشکی، دارای بخش دندانپزشکی و جراحی فک و صورت، شامل پرتونگاری و دو درمانگاه عمومی، آموزشی و اطاق عمل بود. سالن تشریح نخستین بخش از محوطه اصلی بود که شروع به کار کرد. در سال ۱۳۱۸ پروفیسور شارل ابرلن از آسیب شناسان نامدار دنیا به ریاست دانشکده پزشکی درآمد. دکتر امیرخان امیراعلم که دوره پزشکی را در دانشکده بیروت گذرانده بود و دوره تکمیلی را در مدرسه طب نظامی لیون به اتمام رسانده بود پس از بازگشت به تهران در شعبه طب دارالفنون مشغول تدریس شد در سال ۱۳۲۸ ق

آن زمان شامل دو درمانگاه، یک اتاق عمل و ۲۵ تخت بود، با پذیرش چهار دستیار آغاز گردید. همچنین اولین درمانگاه چشم پزشکی در سال ۱۳۱۲ ه.ش در بیمارستان ارتش و پس از آن بخش چشم پزشکی مدارس در قسمتی از ساختمان مدرسه دارالفنون و سپس بیمارستان فارابی راه اندازی شد. اولین پیوند قرنیه در ایران در سال ۱۳۱۲ ه.ش توسط پروفسور شمس انجام گردید. انجمن چشم پزشکی ایران نیز به همت وی در سال ۱۳۲۶ ه.ش بصورت رسمی به ثبت رسید و در سال ۱۳۳۳ ه.ش به عضویت انجمن بین المللی چشم پزشکی درآمد. اولین مجله چشم پزشکی در ایران که مربوط به انجمن چشم پزشکی بود در سال ۱۳۴۷ ه.ش و با صاحب امتیازی پروفسور محمدقلی شمس منتشر شد. وی سالها ریاست انجمن چشم پزشکی و مدیریت گروه چشم دانشگاه تهران را نیز برعهده داشت. وی همچنین موسس بیمارستان فارابی تهران بود که هنوز از مهمترین مراکز آموزش پزشکی تهران است. از دیگر پزشکان نظامی که نقش موثر در پزشکی نوین ایران داشته‌اند می‌توان به پروفسور یحیی عدل (پزشک جراح بیمارستان شماره ۱ ارتش)، دکتر یوسف میر (بیمارستان شماره ۱ و ۲ ارتش) و دکتر حسین مهدوی (موسس بخش جراحی فک و صورت بیمارستان رازی) اشاره کرد.

در سال‌های بعد دانشکده‌ها و مراکز آموزشی دیگری در شهرهای دیگر ایران از جمله قم، کرمان، کرمانشاه، سمنان، سبزوار، همدان و شیراز بنا شدند. در ۱۳۰۴ شمسی تاجری به نام نمازی بیمارستانی را در شیراز بنا کرد که تحت سرپرستی سرهنگ حاج محمد حسن کریم خان هدایت (رییس مریضخانه قشونی فارس) اداره می‌شد.

آموزش علوم پزشکی در ارتش نوین ایران

آمیختگی آموزش پزشکی کشور با بیمارستانهای نظامی سبب شده بود که ارتش از نظر تامین نیروی انسانی گروه پزشکی با مشکلی روبرو نباشد. همه ساله عده‌ای از بهترین دانش

با رتبه سرتیپی به ریاست بهداری ارتش منصوب شد و برای ارتش بهداری مرتب و منظم طبق اصول جدید تأسیس نمود و در سال ۱۳۳۰ ق تنظیم تشکیلات بهداری ژاندارمری جدید التأسیس را بر عهده گرفت.

سرتیپ دکتر امیراعلم دارای نشانهای متعدد و مشاغل مختلف از جمله ریاست دانشکده پزشکی بوده است. در سال ۱۳۲۱ ه.ش. پس از عزیمت پروفسور ابرلین اولین رییس دانشکده پزشکی به فرانسه دکتر امیر اعلم از طرف شورای دانشکده پزشکی به ریاست این دانشکده برگزیده شد. امیراعلم همچنین بنیانگذار بیمارستان نسوان شامل زایشگاه و مرکز تربیت پرستار و ماما بود که در سال ۱۳۳۷ قمری در محل جیبان سعدی فعلی تهران راه اندازی شد و بعدها به افتخار او بیمارستان امیراعلم نامیده شد.

حضور سرتیپ دکتر امیراعلم در دانشکده پزشکی با تحولات چشمگیر همراه بود و اقدامات پروفسور ابرلین را که از سالهای گذشته شروع شده بود به نتیجه خوبی رساند. در سال ۱۳۱۳ شرط تکمیل دوره طب طی کردن پنج سال تحصیل بود که در سال ۱۳۱۵ به ۶ سال افزایش یافت و در ۱۳۳۶-۳۷ با یک سال کارورزی به ۷ سال رسید که تا امروز بدون تغییر مانده است. از سال ۱۳۳۵ دانشکده‌های دندانپزشکی و داروسازی مستقل شدند. در ۱۳۴۰ برای دانشکده چهار رشته پزشکی، جراحی، بیماری‌های زنان و مامایی تعیین شد.

پروفسور محمدقلی شمس فرزند دکتر یحیی شمس ملقب به لسان الحکماء که دانش آموخته چشم پزشکی از دانشکده طب نظامی لیون فرانسه بود پس از ورود به ایران به عنوان پزشک ارتش بخش چشم پزشکی ارتش را در خیابان حافظ چهارراه عزیز خان تأسیس نمود (که تا چند سال پیش محل اداره بهداری نیروی زمینی بود). سپس بخش چشم پزشکی مدرسه طب را در قسمتی از ساختمان مدرسه دارالفنون دایر کرد. اولین برنامه دستیاری چشم در بیمارستان ارتش در سال ۱۳۱۲ ه.ش در محل بیمارستان فارابی، که در

بهره می‌برد. تاسیس دانشکده دندانپزشکی که با راه اندازی رشته‌های بهداشت دهان و پروتزهای دندانی آغاز شده بود در سال ۱۳۸۹ به ثمر نشست و پذیرش دانشجوی دندانپزشکی نیز با تاسیس رسمی دانشکده دندانپزشکی از سال ۱۳۹۰ آغاز شد. هم اکنون دانشگاه علوم پزشکی ارتش با دارا بودن ۳۲ رشته-مقطع آموزشی از کاردانی تا فلوشیپ نه تنها به تربیت نیروهای گروه علوم پزشکی ارتش همت گمارده بلکه بخشی از ظرفیت خود در دوره‌های عمومی و تخصصی را به تربیت دانشجو برای سایر نیروهای مسلح اختصاص داده است.

به موازات رشته‌های علوم پزشکی مصوب، آموزشهای افسری بهداشت و درمان نیز در این دانشگاه به صورت parallel course در مقاطع مختلف اجرایی گردد. همچنین آموزشهای رشته‌ای و حین خدمت که عمدتاً در مرکز آموزش بهداشت و درمان نذاجا انجام می‌شد که با قرار گرفتن این مرکز در شبکه آموزشی دانشگاه پذیرش دانش آموز در دو دبیرستان بهیاری پسران در نیروی زمینی و دختران در نیروی هوایی برابر سیاستهای ابلاغی فرماندهی بهداشت و درمان ارتش مبنی بر ارتقاء سطح آموزشی بهیاران از سال ۱۳۸۹ متوقف و مراکز یادشده در حال ارتقاء به آموزشکده هستند.

هم اکنون دانشگاه علوم پزشکی ارتش در حال اجرای نظام جامع آموزشی بهداشت و درمان ارتش (طرح راهبردی امام صادق علیه السلام) است که بتواند از ظرفیت گسترده بیمارستانهای ارتش و مراکز درمانی، تشخیصی و دارویی ارتش در سراسر کشور و نیز بدنه قوی نیروی انسانی متخصص و فوق تخصص خود بهره برده و با کشیدن میدان آموزش به فیلد در یگانهای نیروهای زمینی، پدافند، هوایی و دریایی به ارتقای مطلوب سطح آموزشهای جامعه نگر دست یابد.

برنامه راهبردی دانشگاه علوم پزشکی ارتش

جهاد علمی بزرگی که در سالهای اخیر با فرمان مقام معظم رهبری در کشور آغاز شده است بی شک پیش و بیش از هر چیز

آموختگان دارالفنون و سپس دانشگاه تهران به استخدام ارتش در می‌آمدند. به همین روی پزشکان ارتش از دیرباز نزد همکاران و مردم اعتبار و احترام ویژه‌ای داشته‌اند. با توسعه ارتش و گسترش بیمارستانهای نظامی در سراسر کشور از یک سو و تاسیس دانشکده‌های علوم پزشکی در دل دانشگاههای کشور از سوی دیگر، همه ساله ارتش تعدادی از قبول شدگان آزمون سراسری دانشگاهها را به صورت بورسیه در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی جهت آموزش به دانشگاههای تراز اول کشور اعزام می‌کرد. به موازات فعالیتهای آموزشی ارتش جهت تأمین نیروهای متخصص در رشته‌های علوم پزشکی با تشکیل مدارس بهیاری در ۱۳۱۰ و با تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری در سال ۱۳۵۰ توسعه یافت. این آموزشگاه در سال ۱۳۶۸ با دریافت مجوز پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی پرستاری به سطح دانشکده ارتقا یافت. سه سال بعد آموزشکده «پیراپزشکی با چهار رشته» کاردانی اتاق عمل، هوشبری، علوم آزمایشگاهی و رادیولوژی راه اندازی شد و در سال ۱۳۷۸ رشته مدارک پزشکی نیز به آنها افزوده شد. دانشگاه علوم پزشکی ارتش در سال ۱۳۷۲ با ایجاد بخش اداری در بیمارستان ۵۰۱ به طور غیررسمی فعالیت خود را آغاز کرد و در همان سال اولین دانشجویان این دانشکده در رشته طب فیزیکی و توانبخشی پذیرفته شدند و در سال ۱۳۷۳ با افتتاح دانشکده پزشکی و پذیرش دانشجو و سپس الحاق دانشکده پرستاری و آموزشکده پیراپزشکی به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۷۹ آموزشکده پرستاری نیروی هوایی نیز با دانشکده پرستاری ادغام شد. دانشکده طب هوافضا و زیرسطحی که از سال ۱۳۷۸ به صورت غیررسمی فعال بود با ابلاغ مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ مسیر توسعه را پیمود و با تصویب رشته طب هوافضا و زیرسطحی در وزارت بهداشت پذیرش دستیار تخصصی در این رشته را از ۱۳۸۹ آغاز نمود. این دانشکده از مراکز اقماری آموزشی مستقر در نیروها از جمله مدرسه فیزیولوژی هوایی، آموزشگاه غواصی، سیمولاتور ارتفاع و مرکز طب زیرسطحی

مراحل به این قرارند:

فاز اول (۱۳۸۷-۱۳۸۶): محدودسازی، توانمندسازی و تثبیت
فاز دوم (۱۳۸۹-۱۳۸۸): هویت سازی، نهادسازی و گسترش
آرام
فاز سوم (۱۳۹۱-۱۳۹۰): تمرکززدایی، اعتباربخشی و نظارت
راهبردی
فاز چهارم (۱۳۹۳-۱۳۹۲): آمایش سرزمینی، شتاب در توسعه
هدفمند و سرآمدی ملی

فاز پنجم (۱۳۹۵-۱۳۹۴): پویایی و پایداری، ارتقاء در روابط
بین الملل، مرجعیت علمی
به تناسب ۱۰۰ برنامه اجرایی (action plan) تدوین شد و شیب
اجرایی آنها در طول اجرای برنامه تعیین گردید به نحوی که
دستیابی به اهداف طی ۵ سال اول بیش از ۷۰٪ تحقق یابد.
خوشبختانه ارزیابی پایان سال ۱۳۹۰ نشان داد که تحقق اهداف
بیش از مقدار منتظره بوده است. علیهذا تغییر و اصلاح برخی
برنامه‌ها برای ۵ سال بعدی مدنظر قرار گرفت.

وضعیت موجود و روند تغییر شاخص‌ها

دانشگاه علوم پزشکی ارتش هم اکنون در ۵ دانشکده و ۸
بیمارستان آموزشی خود دارای قریب ۱۰۰۰ دانشجوی در
حال تحصیل در مقاطع مختلف است و تاکنون بیش از ۴۵۰۰
دانش آموخته داشته است. همچنین هم اکنون بیش از ۱۲۰۰
دانشجوی بورسیه (در مقاطع عمومی و تکمیلی) در حال
تحصیل در سایر دانشگاهها دارد.

در آخرین رتبه بندی‌های رسمی وزارت بهداشت دانشکده
پزشکی رتبه ۸ کشور و مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی
دانشگاه جایگاه هشتم و سریعترین رشد کشور را احراز نمود.
روند اعتباربخشی بیمارستانهای آموزشی

در حالی که دانشگاه در سال ۱۳۸۶ تنها دارای یک رشته
تحصیلات تکمیلی بود روند توسعه دوره‌های تحصیلات
تکمیلی در دانشگاه با هدف دستیابی به نسبت ۳۰٪ دانشجویان

دیگر نیازمند نقشه راه و برنامه راهبردی است. افق سرآمدی در
منطقه هدف بلندی است که فقط با عزم ملی و اتکای به قدرت
لایزال الهی دست یافتنی است. چشم انداز ۱۴۰۴ نیروهای
مسلح و برنامه پنج ساله پنجم ارتش جمهوری اسلامی ایران
جایگاه بلندی برای علم و فناوری ترسیم می‌کند و در همین
راستا دستیابی به بالاترین سطح سلامت در نیروهای مسلح
منطقه و مرجعیت علمی در طب نظامی از اهداف راهبردی
این اسناد است.

دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران با الگو
قرار دادن سیره اهل بیت (ع) و شیوه علمی مکتب حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام نقشه جامع علم و فناوری خود را با
نام «طرح امام صادق (ع)» تنظیم و ۳ محور اصلی نظام جامع
آموزش. نظام آموزش تحقیقات و فناوری و آمایش سرزمینی
ترسیم کرده است. در این طرح ارزشها، سیاستها، راهبردها،
برنامه‌ها، نگاشت نهادی مورد بررسی قرا گرفته و مشکلات
و چالشهای پیش روی اجرای برنامه مورد تحلیل قرار گرفته
است و نقشه راه دستیابی به اهداف چشم انداز ترسیم شده
است که همگی مجموعه‌ای جامع، هماهنگ، پویا، واقع بینانه
و کاربردی از اهداف، سیاستها، ساختارها، الزامات و برنامه‌های
راهبردی در حیطه طب نظامی و بحران که توانمند سازی،
پیشگیری، تشخیص، درمان، باز توانی و ارتقاء سلامت نظامیان
را از یک سو و آماده سازی، پیشگیری، مراقبت و کنترل و
مقابله با تهدیدهای بیولوژیک و بحران را از سوی دیگر مورد
توجه قرار می‌دهد.

برنامه عملیاتی دانشگاه علوم پزشکی ارتش

به منظور دستیابی به اهداف چشم انداز و اجرای طرح امام
صادق (ع) با توجه به جایگاه راهبردی دانشگاه در سال ۱۳۸۶
اجرای یک برنامه ده ساله مدنظر قرار گرفت. این برنامه مشتمل
بر ۵ مقطع ۲ ساله تا ۱۳۹۵ بود و ما هم اکنون در سومین فاز
قرار داریم. سیاستهای اصلی برنامه‌های تدوین شده برای این

تحصیلات تکمیلی سرعت گرفته و در پایان ۱۳۹۱ به ۲۷٪ رسیده است. هم اکنون ۴ رشته دستیاری (طب اورژانس، طب فیزیکی و توانبخشی، طب هوافضا و زیرسطحی، طب داخلی)، یک رشته فلوشیپ (روانپزشکی نظامی)، یک رشته PhD (سم شناسی نظامی)، ۴ رشته کارشناسی ارشد (روانشناسی بالینی نظامی، پرستاری ویژه، پرستاری نظامی) در دانشگاه فعال هستند و راه اندازی ۴ رشته دستیاری دیگر در مراحل نهایی است. همچنین راه اندازی ۵ رشته کارشناسی ارشد دیگر در مسیر اقدامات اداری است. نکته مهم اینکه توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علوم پزشکی ارتش کاملاً هدفمند مدیریت می شود به طوری که کلیه رشته های جدید باید مرتبط با طب نظامی و دارای پتانسیل سرآمدی در منطقه باشد.

روند قبولی گروه پزشکی ارتش در مقاطع تحصیلات تکمیلی به ۴ برابر ابتدای برنامه در سال ۱۳۸۶ و به حدود ۳۰۰ نفر در سال رسیده است که آهنگی متناسب با نیاز سازمانی ارتش دارد. جالب اینکه ۷۴٪ قبولی دانشجویان پزشکی سال آخر دانشگاه علوم پزشکی ارتش در آزمون دستیاری ۱۳۹۲ یک رکورد بی سابقه در کشور بود. دانشجویان این دانشگاه در سالهای اخیر موفق به کسب مقامهای ۵ و ۸ المپیاد علمی کشور، ۴ مورد رتبه زیر ۱۰ در آزمونهای جامع علوم پایه و پیش کارورزی، و رتبه های متعدد برتر کشوری در مسابقات قرآنی و ورزشی کشور شده اند.

دانشجویان بورسیه دانشگاه علوم پزشکی ارتش نیز در سالهای اخیر درخشش قابل توجهی داشته اند به طوری که تنها در سالهای ۹۰ و ۹۱ بردهای تخصصی و فوق تخصصی ۷ جایگاه برتر اول تا چهارم از ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده اند که متعاقباً به عضویت هیات علمی دانشگاه درآمده و آینده ای روشتر در آموزش و پژوهش دانشگاه را نوید می دهد.

اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ارتش متشکل از قراردادی و پیمانی و رسمی به ۲۰۶ نفر در سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ رسید. حدود ۹٪ از اعضای هیات علمی رسمی و پیمانی

دارای مرتبه دانشجویی و استادی هستند که نشان دهنده جوان بودن اعضای هیات علمی و نوید بخش سرعت گرفتن رشد دانشگاه در سالهای بعد است. اعضای هیات علمی دانشگاه در ۳ دوره جشنواره شهید مطهری حائز رتبه برتر شدند و در ۳ نوبت موفق به کسب مقام در جشنواره رازی شده و در ۳ نوبت رتبه برتر جشنواره سلمان فارسی را به دست آورده اند. هم اکنون میزان ارجاعات جهانی به مقالات دانشگاه نسبت به سال ابتدای برنامه ۴ برابر ارتقا یافته و تعداد مقالات خارجی و علمی پژوهشی ۳ برابر رشد داشته است. سرانه مقالات نمایه نوع اول اعضای هیات علمی از ۰/۰۷ در ابتدای برنامه به ۰/۹۲ ارتقاء یافته که به نسبت متوسط کشور که ۰/۵۲ می باشد نشانگر رشد پرشتاب تولیدات علمی دانشگاه است. تعدادی از اعضای هیات علمی نیز موفق به تالیف کتب بین المللی به زبان انگلیسی شدند و تعدادی به عضویت شورای نویسندگان نشریات علمی پزشکی معتبر جهان درآمده اند و روابط علمی با دانشکده های طب نظامی سایر کشورها در حال توسعه است.

روند آینده توسعه آموزشی

در نقشه جامع علم و فناوری دانشگاه چشم انداز دانشگاه به این گونه تصویر شده است: با تکیه بر دستاوردهای دفاع مقدس، و همگام با رشد جهانی علوم سلامت نظامی؛ دانشگاه علوم پزشکی آجا باید یک مرکز دانشگاهی سرآمد در علوم طب نظامی، با تراز جهانی، در منطقه چشم انداز ۱۴۰۴ باشد، دانشگاه علوم پزشکی آجا باید جزو دانشگاههای علوم پزشکی برتر کشور باشد.

ماموریت دانشگاه علوم پزشکی آجا؛ حفظ و ارتقای سلامت جامعه آجا از طریق تعلیم و تربیت و ارتقاء توانمندی (دانش، نگرش، عملکرد) نیروی انسانی رسته بهداشت و درمان با اولویت پیشگیری، امداد، انتقال، درمان و توانبخشی، و پژوهش در علوم سلامت با اولویت طب نظامی، مبتنی بر سیاستهای ابلاغی و اسناد بالادستی است. دانشگاه علوم پزشکی آجا

- توسعه و ترویج همکاری‌های بین‌المللی، دانشگاهی، درون و بین گروه‌های آموزشی برای رشد و سرآمدی گروهی
 - حفظ و ارتقاء شرایط و استانداردهای آموزشی در عرصه‌های آموزش نظری، عملی و کارآموزی
 - ترویج فرهنگ مشاوره و تحکیم نقش استادان مشاور در تربیت دانشجویان
 - سهیم کردن دانشجویان به ویژه در تحصیلات تکمیلی در برنامه سرآمدی آموزشی
 - شایسته سالاری، نخبه پروری و حمایت از استعدادهای درخشان
- دانشگاه علوم پزشکی ارتش در راستای اجرای ماموریت سازمانی و ملی خود در حوزه آموزش علاوه بر توسعه رشته‌های تحصیلی (به ویژه در تحصیلات تکمیلی) یکپارچه سازی شبکه آموزش بهداشت و درمان ارتش در سراسر کشور، راه اندازی دانشکده‌های «بهداشت» و «امداد و بحران»، راه اندازی بین الملل طب نظامی و پیاده سازی آمایش سرزمینی مراکز آموزشی را در دستور کار دارد.

نتیجه گیری

دانشگاه علوم پزشکی ارتش روند توسعه هدفمند خود را منطبق با برنامه راهبردی خود به خوبی می‌پیماید اما برای دستیابی به اهداف سرآمدی و مرجعیت علمی نیازمند حمایت‌های بیشتر وزارت بهداشت و سایر مراجع ذیربط است.

- دانشگاهی است در گستره کل کشور، که در راستای اهداف راهبردی آجا و ستاد کل ن م ج اا به تعاملات آموزشی - پژوهشی - مشاوره‌ای، با مراکز آموزشی، تحقیقاتی، و نظامی داخل و خارج می‌پردازد.
- هم اکنون همه مدیران، اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشگاه بر تعهد به منشور سرآمدی آموزشی دانشگاه هم پیمان شده‌اند. مفاد این منشور عبارتند از:
- محوریت گروه‌های آموزشی در توسعه، برنامه ریزی و اجرا به منظور تحقق اهداف سرآمدی
 - مشارکت همگانی اعضای هیات علمی و کارشناسان آموزشی در برنامه ریزی، مدیریت و اجرای برنامه‌های سرآمدی
 - تربیت و آموزش همه جانبه در حیطه‌های دانش، نگرش، مهارت و اخلاق حرفه‌ای
 - تقویت حوزه‌های انحصاری و نقاط قوت (قطب‌های سرآمدی) و مشارکت همه گروه‌ها در مرجعیت علمی قطبها
 - یکپارچگی و پاسخگویی آموزشی به نیازهای جامعه هدف و توسعه هدفمند طب نظامی
 - استمرار مادام العمر آموزش و روزآمدسازی اطلاعات و مهارتها با استفاده صحیح از منابع و فناوری‌های نوین
 - رویکرد سلامت محور در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویج آموزشهای پزشکی سرپایی

References

- 1- Yarmohammadi H, Mojahedian MM, Zargar A. Medicine and Economy in Ancient Persia. Res His Med. 2012;1 (3): 91-5.
- 2- Yousefzadeh N. Symbolic world of dream in Kushnameh. J Am Sci. 2011;7 (10): 84-91.
- 3- Shahnameh. [cited 2013 September the 26th]; Available from: http://en.wikipedia.org/wiki/The_Epic_of_Kings.
- 4- Sigerist HE. A history of Medicine. USA: Oxford University Press; 1987.
- 5- Moosavi J. The place of avicenna in the history of medicine. Avicenna J Med Biotechnol. 2009;1 (1): 3-8.
- 6- Lennon RP, Saguil A, Seehusen DA, Reamy BV, Stephens MB. The military health system: a community of solutions for medical education, health care delivery, and public health. J Am Board Fam Med. 2013;26 (3): 264-70.
- 7- Salisbury D, English A. Prognosis 2020: A military Medical Strategy for the Canadian Forces 2012. Canada Mil J. 2013;Summer: 45-55.
- 8- Zargar A, Ahmadi A, Daneshamooz S, Mohagheghzadeh A. Physicians in Ancient Persia. Research on History of

Medicine, August 2012, 1 (3): 68-80

- ۹- مهدی مدرس زاده، محمدرضا صداقت، محمد مهدی پرورش- برنامه آموزشی و ضوابط رشته تخصصی چشم پزشکی- کمیسیون تدوین و برنامه ریزی آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی- فروردین ۱۳۹۰
- ۱۰- عیسی پژمان. شکل گیری ارتش نوین ایران. روزنامه شرق (فروردین ۱۳۹۱) سال نهم شماره ۱۵۰۱ صفحه ۸
- ۱۱- محمود نجم آبادی. تاریخ طب در ایران پس از اسلام- فصل هشتم: تاریخ

- بیمارستانهای ایران و سرزمینهای اسلامی- انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۸
- ۱۲- فرزانه فدایی. جندی شاپور مهد نخستین نهضت علمی جهان باستان- روزنامه ایران (تیرماه ۱۳۸۶) سال سیزدهم، شماره ۳۶۷۶- صفحه ۱۱
- ۱۳- ابراهیم مصلحی شاد- دانشگاه جندی شاپور- مجله طب سنتی اسلام و ایران (تابستان ۱۳۸۹) سال اول- شماره دوم- صفحه ۱۰۵ تا ۱۱۲
- ۱۴- خسرو نامجو نیک- تاریخچه طب نظامی- انتشارات ایران سبز- ۱۳۸۹